

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

مناسبات فرهنگی و اقتصادی ایران و آلمان در عصر پهلوی اول

استاد راهنما:

دکتر عبدالله رجائی لیتکوئی

استاد مشاور:

دکتر ابوالحسن شهواری

نگارش:

فرهاد دهبندی

تابستان ۱۳۹۱



ISLAMIC AZAD UNIVERSITY

Sharood Branch

Faculty of Humanities

Department of History . M.A Thesis

On Iran history in Islamic period

Subject :

Cultural and economic ties between Iran and Germany in the first Pahlavi era

Thesis Advisor:

Dr Abdullah Rajai Litkoei

Consulting Advisor:

Dr abol-hasan shahvari

By

Farhad dehbandi

Summer 2012

سپاسگذاری

سپاس صمیمانه خود را به اساتیدم تقدیم می‌کنم.

جناب آقای دکتر رجایی در جایگاه استاد راهنما که نهایت یاری و مساعدت را برای به انجام رساندن این پایان نامه مبذول داشتند.

و جناب آقای دکتر ابوالحسن شهبواری در جایگاه استاد مشاور که مرا مرهون راهنمایی های بی دریغ خودشان نمودند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۳	فصل اول: کلیات
۴	۱.۱. بیان مساله
۵	۲.۱. سوالات اصلی و فرعی
۵	۳.۱. فرضیه ها
۶	۴.۱. پیشینه پژوهش
۶	۵.۱. روش پژوهش
۷	۶.۱. سازماندهی پژوهش
۸	۷.۱. بررسی و نقد منابع
۱۶	فصل دوم: روابط ایران و آلمان از آغاز تا جنگ جهانی اول
۱۵	۱-۲- چگونگی آغاز روابط سیاسی و اقتصادی ایران با آلمان در دوران صفوی
۱۷	۲-۲- روابط ایران و آلمان در دوره قاجار
۱۹	۱-۲-۲- سیاست به سوی شرق آلمان در جنگ جهانی اول
۲۰	۳-۲- روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول
۲۲	۱-۳-۲- تلاش شبکه ی جاسوسی آلمان در ایران
۲۴	۴-۲- فعالیت های دیپلماتیک آلمان در ایران
۲۵	۱-۴-۲- واسموس و فعالیت های وی در ایران
۳۰	فصل سوم: تخییر سلطنت و روی کار آمدن پهلوی اول (۱۳۱۲-۱۲۹۷ش/۳۳-۱۹۱۸م)
۳۱	۱-۳- وضعیت ایران پس از جنگ جهانی اول

- ۳۵ ۱-۱-۳- مقدمات و چگونگی شکل گیری کودتای سوم خوت ۱۲۹۹
- ۳۶ ۲-۱-۳- کودتای ۱۲۹۹ ش/ ۱۹۲۱ م
- ۳۹ ۳-۱-۳- قدرت یافتن پهلوی اول
- ۴۳ ۴-۱-۳- سیاست خارجی ایران پس از جنگ جهانی اول در نزدیکی با آمریکا
- ۴۹ ۲-۳- تحولات آلمان پس از جنگ جهانی اول
- ۵۳ ۱-۲-۳- سیاست خارجی آلمان پس از جنگ جهانی اول
- ۵۵ ۲-۲-۳- روی آوردن آلمان به سوی شرق
- ۵۷ ۳-۳- روابط ایران و آلمان در سالهای (۱۳۰۴-۱۲۹۷ ش / ۱۹۱۸-۲۵ م)
- ۵۸ ۴-۳- صنعتی سازی در ایران و گرایش به صنعت آلمان در سالهای (۱۹۳۱-۱۹۲۱ م / ۱۳۱۰-۱۳۰۰ ش)
- ۶۳ فصل چهارم: روابط فرهنگی ایران در زمان پهلوی اول با آلمان
- ۶۴ ۱-۴- سیاست فرهنگی عصر رضا شاه
- ۶۴ ۱-۱-۴- پیدایش سازمان پرورش افکار به تقلید از حزب نازی
- ۷۷ ۲-۱-۴- تحول در نظام آموزشی کشور و فرهنگی
- ۷۸ ۲-۴- عناصر ناسیونالیسم در ایران عصر پهلوی
- ۷۸ ۱-۲-۴- افتخار به فرهنگ
- ۷۸ ۲-۲-۴- زبان
- ۷۹ ۳-۱-۴- وحدت قومی و نژادی
- ۸۰ ۳-۴- پهلوی اول و ناسیونالیسم
- ۸۳ ۴-۴- رضاشاه و پیروزی طرفداران جدایی دین از دولت
- ۸۷ فصل پنجم: روابط ایران با جمهوری و ایماز از مجلس پنجم تا مجلس دوازدهم

۸۸ ۵-۱- دوره پنجم
۹۱ ۵-۲- دوره ششم
۹۳ ۵-۳- دوره هفتم
۹۶ ۵-۴- دوره هشتم
۹۸ ۵-۵- دوره نهم
۱۰۱ ۵-۶- دوره دهم
۱۰۳ ۵-۷- دوره یازدهم
۱۰۴ ۵-۸- دوره دوازدهم
۱۰۸ فصل ششم: روابط اقتصادی و صنعتی ایران در دوره پهلوی با آلمان
۱۰۹ ۶-۱-۱- سیاست های اقتصادی رژیم نازی
۱۱۱ ۶-۱-۲- روند و پیامدهای روابط اقتصادی ایران و آلمان نازی
۱۳۲۰ تا ۱۳۱۴ ۶-۲- تاثیر روابط ایران و آلمان نازی بر سیاست های صنعتی سازی ایران در سال های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ شمسی
۱۲۱
۱۴۰ ۶-۲-۱- تاثیر جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی سازی
۱۴۹ ۶-۲-۲- اداره بانک ملی
۱۵۴ ۶-۲-۳- نقش کارشناسان آلمانی در احداث راه آهن
۱۵۶ ۶-۲-۴- نقش کارشناسان آلمان در احداث کارخانه ذوب آهن
۱۵۷ ۶-۲-۵- نقش کارشناسان آلمانی در احداث خطوط هوایی
۱۵۹ ۶-۲-۶- نقش کارشناسان آلمانی در صنایع نظامی
۱۶۲ نتیجه گیری
۱۶۴ منابع و مأخذ

فهرست جداول

۱۱۲	جدول شماره ۴
۱۱۷	جدول شماره ۶
۱۲۰	جدول شماره ۷
۱۲۷	جدول شماره ۸
۱۳۲	جدول شماره ۹
۱۳۸	جدول شماره ۱۰

چکیده

در شرایطی که ایران مورد هجوم همه جانبه دولت های استعماری قرار گرفته بود، نیاز به دولتی مقتدر که وضعیت آشفته مملکت را سر و سامان دهد بسیار ضروری بود، در این شرایط بود که رضاشاه روی کار آمد. آلمان در آن زمان در شرایط انزوای شکست پس از جنگ جهانی اول بود و همزمان با این وضعیت در آلمان تبلیغاتی تحت عنوان نژاد مشترک آریایی شکل گرفته بود که پیوند دهنده ی دو دولت ایران و آلمان بود، و تحت همین تبلیغات و البته نیاز آلمان به حضور در صحنه ی جهانی و البته تلاش ایران در گام نهادن در مسیر پیشرفت و توسعه، همگی موجب ایجاد و شکل گیری روابط فی مابین شد. در این عصر بود که بواسطه شکل گیری روابط در صنعتی سازی ایران از نیروها و متخصصان آلمانی استفاده شد و به مدد این سیاست و استفاده از کارشناسان آلمانی ایران توانست خود را از وضعیت عقب ماندگی زمان قاجار به رشد و توسعه در مجاری مختلف سوق دهد. تلاش این پژوهش در راستای مشخص نمودن چگونگی این پیشرفت و ارزیابی مثبت یا منفی بودن حضور کارشناسان آلمانی و ایجاد رابطه با آلمان می-باشد. مقایسه دستاوردهای ایران در این عصر با گذشته، خود موید این نکته می باشد که ایران در این عصر به دستاوردهای بزرگی دست یافته بود که بی شک مرهون وجود رضاشاه و سیاست ایجاد رابطه با آلمان و استفاده از متخصصان آلمانی در توسعه صنعتی و البته رشد فرهنگی ایران می باشد. به هر حال می توان قدرت یابی پهلوی اول و ایجاد رابطه با دولت آلمان را از مسائل مفید و مثبت در تاریخ ایران و صنعتی شدن ایران دانست که البته اگر این روند صنعتی سازی ادامه می یافت بی شک ایران در گذر زمان به عنوان قدرتی بزرگ مطرح می شد. این پژوهش در فصل اول به بررسی کلیات پژوهش پرداخته شده در فصل دوم به چگونگی آغاز روابط ایران و آلمان تا جنگ جهانی اول پرداخته شده است، فصل سوم تغییر سلطنت و روی کار آمدن پهلوی اول را مورد بررسی قرار داده در این فصل به وضعیت ایران پس از جنگ جهانی اول و چگونگی شکل گیری روابط بین دو دولت ایران و آلمان و سیاست آلمان در قبال شرق پرداخته می شود. در فصل چهارم روابط فرهنگی ایران و آلمان مورد بررسی قرار گرفته و همچنین به سیاست های فرهنگی پهلوی اول به تقلید از آلمان اشاره شده است. در فصل پنجم روابط صنعتی و اقتصادی ایران و آلمان و نقش کارشناسان آلمانی در توسعه صنعتی سازی ایران بیان شده است.

واژگان کلیدی : ناسیونالیسم، کودتا، حزب نازی، بلشویک، جنگ جهانی اول، صنعتی سازی

فصل اول: کلیات

۱.۱. بیان مساله

در دوره قاجاریه بعد از نفوذ دولت های روسیه و انگلیس در ایران و قراردادهای استعماری، دولتمردان ایرانی به فکر ایجاد رابطه با قدرتی‌هایی بودند که ماهیت استعماری روسیه و انگلیس را نداشته باشند و بتوان از قدرت آن کشور در راستای متعادل کردن سیاست خارجی ایران و همچنین پیشرفت کشور استفاده کرد. امیرکبیر در این راستا اقداماتی اساسی انجام داد و قراردادهایی را با دولت های اتریش، ایتالیا، آمریکا و آلمان منعقد کرد. این سیاست در تمام دوران قاجاریه دنبال شد ولی به طور کامل به انجام نرسید. در این اوضاع بود که رضاخان با کودتا قدرت را در دست گرفت. در این زمان آلمان بواسطه شکست در جنگ جهانی اول در تلاش برای کسب قدرت، حیثیت و اقتدار گذشته‌اش بود. ایران نیز توجه به عقب ماندگی‌ها صنعتی در شرایطی بود که برای مقابله با استعمارگران و پیشرفت کشور نیاز به ایجاد رابطه با کشوری صنعتی و توسعه یافته تر داشت که این امر در رابطه با آلمان با توجه به اشتراکات نژادی که از سوی آلمان نازی مطرح شده بود، ممکن می شد و هر دو کشور در راستای این ارتباط به مقاصد و منافع خود می‌رسیدند. پس از جمهوری ناکام وایمار، هیتلر به عنوان رهبر حزب نازی در انتخابات رایشتاگ به پیروزی رسید و قدرت را در آلمان به دست گرفت. کارشناسان آلمانی که در نیمه دوم سلطنت رضاشاه تعدادشان در ایران رو به فزونی یافته بود، منشا خدمات و ایجاد ساختارهای تمدنی جدیدی شدند چنان که بسیاری از دولتمردان و حتی سایر طبقات جامعه به آنان گرایش پیدا کردند. به گمان آنها آلمان راه سومی برای توسعه ایران بود. لذا روابط اقتصادی و فرهنگی ایران و آلمان در این دوره به اوج خود رسید. و موفقیت های بزرگی در این راستا در ایران و البته توسط متخصصان آلمانی شکل گرفت و ایران را به سوی صنعتی شدن و توسعه سوق داده شد. و بی شک دستاوردهای نوینی که ایران عصر پهلوی در رابطه با آلمان به دست آورد با توجه به بازده زمانی که قدرت در دست رضاشاه بود، بسیار شایان توجه و در خور تحسین می باشد. و در کل می‌توان ایجاد رابطه با آلمان و حضور کارشناس آلمانی در ایران آن عصر را با توجه به نقش سایر دولتهای اروپایی مثبت ارزیابی کرد.

۲.۱. سوالات اصلی و فرعی

سوال اصلی:

آیا رابطه بین ایران عصر پهلوی اول با آلمان را می توان رابطه ای مثبت و در راستای منافع ایران در نظر گرفت؟

سوالات فرعی:

۱- آیا می توان رشد و توسعه صنعتی ایران در عصر پهلوی اول را ناشی از ایجاد رابطه با آلمان و حضور کارشناسان آلمانی دانست؟

۲- آیا حضور رضاشاه در ساختار قدرت در روند رشد و توسعه ایران تاثیر داشت؟

۳.۱. فرضیه ها

فرضیه اصلی:

روابط فرهنگی و اقتصادی ایجاد شده بین ایران و آلمان دستاوردهای نوینی برای جامعه ایران در بر داشت. این دستاوردها موجب توسعه و تغییرات فرهنگی و اقتصادی زیادی در ایران عصر رضاشاه شدند، بطوری که ایران به عنوان یکی از قدرتهای منطقه مطرح شد. این رابطه را در مقایسه با سایر روابط بین ایران و دولت های اروپایی، می توان رابطه ای مثبت و در راستای منافع ایران تلقی کرد بطوری که بی شک اگر این روند ادامه می یافت چه بسا ایران می توانست به عنوان قدرتی بزرگ در میان قدرتهای بزرگ جهان آن عصر مطرح شود.

فرضیه های فرعی:

۱. متخصصان آلمانی که بیشتر در قسمت های فنی و مهندسی فعالیت می کردند و بواسطه پیشرفت و رشد این مقولات در آلمان، حضور آنان در ایران و توسعه صنعتی و به دنبال آن توسعه اقتصادی موثر واقع شد.

۲. با مقایسه میزان رشد و توسعه صنعتی ایران در عصر پهلوی اول با گذشته و قبل از قدرت گیری رضاشاه می توان این پیشرفت را در وهله ی اول بواسطه ی قدرگیری رضاشاه و سپس در ایجاد ارتباط با آلمان و استفاده از دستاوردها و دانش کارشناسان این کشور دانست.

۴.۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش های زیادی راجع به روابط ایران و آلمان صورت نگرفته و تنها چندین رساله و مقاله در این مورد تألیف شده است. اما تمامی این پژوهش ها به صورت کلی فقط به بررسی روابط میان ایران و آلمان پرداخته اند و تأکید آنان بیشتر بر مسائل تجاری و سیاسی بوده است. از متخصصان آلمانی نیز نه به طور مجزا بلکه در ذیل اقدامات آلمانی ها در بخش های مختلف اقتصادی - فرهنگی نام برده شده است. کتاب هایی نیز چون روابط سیاسی - اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ، اثر فاطمه پیرا، تاریخ روابط ایران و آلمان، اثر مارتین جی برادفورد، روابط ایران و آلمان تألیف بهراد نوازی، تاریخ بیست ساله اثر حسین مکی و گزیده اسناد روابط ایران و آلمان به کوشش مینا ظهیرنژاد، کتاب هایی هستند که در مورد روابط ایران و آلمان در دوره رضاشاه مفید هستند که البته این منابع نیز اطلاعات اندک و پراکنده ای از حضور متخصصان آلمانی در ایران ارائه داده اند.

۵.۱. روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع روش تاریخی است. به علت تکرار ناپذیری و عدم امکان بررسی وقایع و حوادث ضرورتاً می بایست از روش تاریخی استفاده شود که مبتنی بر تحلیل عقلانی و

استنتاج ذهنی است. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از منابع، مأخذ، اسناد و مدارک به جا مانده از گذشته همراه با جمع آوری اطلاعات و ارزشیابی و بررسی صحت و سقم آن ها، حقایق گذشته به صورت منظم و مرتبط ارائه شود و سپس با مقایسه اختلافات و همانندی ها و درک رابطه علت و معلولی میان رویدادها به تجزیه و تحلیل واقعی رویدادها پرداخته شود تا در نهایت نتایج قابل دفاعی در ارتباط با سؤالات پژوهش ارائه شود. در این روش در کنار بیان تاریخی حوادث مرتبط با دوره ی پژوهش، به عوامل موثر بر آنها با دیدی تحلیلی نگریسته شده است.

۶.۱. سازماندهی پژوهش

این پایان نامه در پنج فصل و یک نتیجه گیری سازماندهی شده است.

فصل اول به کلیات طرح چون، بیان مسئله، سؤالات اصلی و فرعی، فرضیه ها، بررسی و نقد منابع و روش تحقیق می پردازد.

فصل دوم به پیشینه روابط سیاسی و اقتصادی ایران با آلمان از آغاز تا دوره پهلوی می پردازد.

فصل سوم روابط ایران و آلمان را در دوره جمهوری وایمار بررسی می کند.

فصل چهارم به روابط صنعتی ایران و آلمان پرداخته شده است.

بخش پنجم: روابط فرهنگی ایران آلمان بحث میکند.

۷.۱. بررسی و نقد منابع

الف) اسناد

اداره کل آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه

از آنجا که صنایع ماشینی در ایران بومی نبود و برخورداري از آن نیاز به ارتباط با کشورهای صنعتی از جمله آلمان داشت و به دلیل آنکه وزارت امور خارجه به عنوان وزارتخانه‌ای که متولی برقراری روابط با کشورهای خارجی بود، به نظر رسید که اسناد موجود در این مرکز برای انجام این تحقیق مفید باشد. با توجه به چنین دیدگاهی جست‌وجو در این مرکز برای دستیابی به اسنادی در زمینه روابط ایران با کشورهای صنعتی و چگونگی مبادلات بین ایران با این کشورها مخصوصاً آلمان به عنوان بزرگترین کشور صادر کننده سرمایه‌های صنعتی و متخصصان فنی در دوره مورد بحث انجام گرفت.

اسناد سازمان ملی ایران

اسناد استخراج شده از آرشیو این مرکز، مهم‌ترین منبع از میان منابع به کار گرفته شده در تدوین این پایان نامه را تشکیل می‌دهند. این اسناد زیر عنوان‌هایی چون قرارداد با متخصصان آلمانی، قرارداد با شرکت‌های آلمانی، کارخانه، صنعت، کشاورزی در دوره رضاشاه جست‌وجو شدند. نتیجه این جست‌وجو گزینش و استخراج اسنادی در زمینه‌های قراردادهای تجاری و مبادلاتی ایران و آلمان، وضعیت و آمار کارخانه‌ها، مصوبات دولت در زمینه صنعتی‌سازی علی‌الخصوص از سال ۱۳۱۵ش بود که نقش مجلس در قانون‌گذاری در عرصه صنعت به دلیل نوع مبادلات ایران و آلمان کم‌رنگ شده بود. محدوده زمانی اسناد انتخاب شده بیشتر از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۸ش را در برمی‌گیرد که متخصصان آلمانی زیادی به ایران آمدند.

ب) خاطرات

خاطرات بلوشر

کتاب بلوشر در حقیقت تاریخ روابط ایران و آلمان از آغاز نخستین جنگ جهانی تا آغاز دومین جنگ جهانی است، (۱۲۹۴-۱۳۲۰ش/۱۹۱۵-۱۹۴۱م). نویسنده هفت سال در ایران بود و در مجموع ده سال از عمرش با مسائل ایران گذشت. در دوره سفارت بلوشر اتفاق دیگری هم پیش آمد که باز موجب دردسر سفیر شد و آن نادرستی هایی بود که از رئیس و معاون آلمانی در بانک ملی ظهور کرد که سرانجام آنان را به محاکمه کشاند. به هر حال این گونه حوادث سبب آن شد که رضاشاه نسبت به بلوشر نظر مساعدی نداشته باشد و سفیر خود در آلمان را بر آن دارد که از وزارت خارجه آلمان بطور غیرمستقیم فراخواندن سفیرشان را بخواهد. بلوشر با چنین وضعی از ایران رفت.

اوج روابط ایران با آلمان و خرید صنایع جدید و آمدن متخصصان آلمانی از آلمان با ایران در زمان هیتلر اتفاق افتاد و از آنجایی که بلوشر به عنوان سفیر آلمان در ایران، این هماهنگی ها را انجام می داد، اطلاعات منحصر به فردی از این خریدها و رفت و آمدها داشت و این اطلاعات را در سفرنامه خود آورده است که در این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفت. از این کتاب در فصل پنجم که مربوط صنعتی سازی ایران و بررسی حضور کارشناسان آلمانی می باشد، بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

ج) نشریات

نشریات دوره رضاشاه مخصوصاً روزنامه ها و مجلاتی که به صورت تخصصی به مسائل اقتصادی اختصاص داشتند در تدوین این پایان نامه از جایگاه و اهمیت زیادی برخوردار هستند. در این میان سهم روزنامه اطلاعات و مجله تجارت از همه بیشتر است.

روزنامه اطلاعات: این روزنامه که از سال ۱۳۰۵ش منتشر شده است، اگرچه تنها به مسائل اقتصادی اختصاص نداشت، اما بدون شك اقتصادی ترین روزنامه ای بود که در زمان رضاشاه به چاپ می رسید. مهمترین قسمت روزنامه که در این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفت، سرمقاله ها و گزارش های مندرج در صفحه اول آن بوده است. سرمقاله ها در جهت یابی و درک استراتژی های صنعتی و سیاست آوردن متخصصان خارجی به ایران، بسیار مفید بود. از این منبع در همه ی فصول استفاده شده است.

مجله تجارت: این مجله در شهریور ۱۳۰۶ش با تعداد میانگین ۳۲ صفحه در هر ماه با هدف پشتیبانی تجارت و اقتصاد ملی منتشر شد. از نکات مثبت و قابل توجه این مجله بررسی میزان صادرات و واردات کشور با ارائه آمارهای سالیانه و همچنین معرفی صنایع و کارخانه‌های کشور علی‌الخصوص در شهرستان‌ها بود. همچنین بررسی اوضاع تجاری و اقتصادی سایر کشورها و اوضاع اقتصادی جهانی از جمله نکات قابل توجه این مجله بود.

د) کتاب‌ها

تاریخ روابط ایران و آلمان

تألیف مارتین جی برادفورد، ترجمه پیمان آزاد و علی امید است که توسط نشر پیک چاپ شد. چاپ اول آن در تاریخ ۱۳۶۸ ه.ش می‌باشد. محتوای کتاب شامل مقدمه، سه فصل، نتیجه‌گیری و فهرست منابع می‌باشد.

عناوین فصول کتاب به شرح ذیل می‌باشد: عصر بیسمارک (۱۸۹۰-۱۸۷۳م)، بسوی امپریالیسم (۱۹۰۵-۱۸۹۰م) و اوج و حضيض امپریالیسم آلمان (۱۹۱۲-۱۹۰۶م).

این کتاب به دلیل بیان چگونگی روابط اقتصادی، سیاسی ایران و آلمان با توجه به رقابتهای دو قدرت جهانی (انگلیس و روسیه) می‌باشد، آگاهی‌های ارزنده‌ای ارائه می‌دهد.

مؤلف در پایان هر فصل مطالبی را که جهت اطلاع خواننده ضروری و مفید باشد بیان کرده و در جاهایی که لازم بود به درج نام منابع مورد استفاده، چه منابع داخلی و چه منابع خارجی به صورت یادداشت، اقدام نموده است.

این کتاب در ۳۴۳ صفحه دارای اطلاعات جامع و وسیعی در مورد روابط ایران و آلمان در دوران رضاشاه و متخصصان آلمانی در ایران است. انتقادی که بر این کتاب وارد است این است که نویسنده بیشتر به ماهیت سیاسی روابط ایران و آلمان چشم دارد و در اندک جاهایی بحث روابط اقتصادی ایران و آلمان را مطرح می‌کند. از این کتاب در مبحث مربوط به روابط سیاسی استفاده شده است. البته در خلال

روابط سیاسی می توان نکاتی را نیز راجع به روابط فرهنگی و اقتصادی بدست آورد که نگارنده از آنها نیز در بخش های مربوطه استفاده کرده است.

صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی

این کتاب شامل مجموع مقالاتی از ویلم فلور است که در سال ۱۳۷۱ش، توسط انتشارات البرز به چاپ رسیده است. عناوین مجموعه مقاله‌های این کتاب عبارتند از: صنعتی شدن ایران از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰م، صنعت پارچه‌بافی در ایران ۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰م، شورش شیخ احمد مدنی و صید مروارید در خلیج فارس. ویژگی مهم این کتاب به عنوان تنها اثری که به طور اختصاصی به مسأله صنعتی‌سازی پرداخته، ارائه دو فهرست از صنایع و کارخانه‌های ایران، که یکی از آنها در بردارنده آمار کارخانه‌ها از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۱م و دیگری در بردارنده آمار کارخانه‌های ایران تا سال ۱۹۴۰م است. فهرست اخیر به دلیل فقدان آمار دقیق از کارخانه‌های ایران از سال ۱۳۱۷ش توانسته است در ترسیم سیاست‌های صنعتی و اینکه چه مقدار از این کارخانجات آلمانی بودند، به این پایان نامه کمک کند. فهرست های مذکور با وجود این مزیت، خالی از اشکال نیست زیرا منابعی که بر اساس آن فلور فهرست های مورد نظر را تدوین کرده از اسناد و آرشیوهای دقیقی استخراج نشد بلکه تمامی آنها از کتب مختلف که بخشی از این کتب منابع دست اول و برخی دیگر از منابع مطالعاتی هستند، استخراج شده است. از این منبع در فصل پنجم استفاده شده است.

توسعه و نوسازی در دوره رضاشاه

کتاب توسعه و نوسازی در دوره رضاشاه که توسط محمدرضا خلیلی‌خو به رشته تحریر درآمده است، پژوهشی است در زمینه اقدامات و اصلاحات دوران بیست ساله حاکمیت رضاشاه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی. در مباحث تاریخی این کتاب به موضوعاتی چون ویژگی‌های سیاسی و

اقتصادي ایران قبل از اقدامات رضاشاه، تأیید انقلاب مشروطه در فراهم کردن مقدمات نوسازی، اقدامات بیست ساله رضا شاه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آمدن متخصصان کشورهای مختلف به ایران از جمله آلمانی‌ها، اشاره شده است. از این کتاب در فصل چهارم و پنجم بسیار استفاده شده است.

اقتصاد ایران

کتاب اقتصاد ایران نوشته جولیان باری یر، در سیزده فصل به بررسی تاریخ اقتصاد ایران از سال ۱۲۹۷ تا دهه ۱۳۴۹ ش می‌پردازد. منشاء نگارش این کتاب، رساله دکترای باری یر در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی لندن تحت عنوان تشکیل سرمایه در ایران ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۵ است. شیوه بررسی کتاب نه بر اساس روند سال شماری، بلکه بر اساس بررسی موضوعی است. از فصل سوم این کتاب که با عنوان صنایع، به بررسی صنایع در ایران در سال‌های ۱۲۹۷ تا ۱۳۵۰ ش می‌پردازد، در این پایان نامه استفاده شده است. از نکات مثبت این کتاب، بررسی میزان سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های دولتی و خصوصی و همچنین میزان بودجه اختصاص داده شده به وزارت خانه‌ها و فهرستی از متخصصان خارجی در دوره رضاشاه است. ولی این کتاب معایبی نیز دارد مثل استفاده نکردن از منابع فارسی، توجه نکردن به پیامدهای بحران اقتصادی در روابط ایران و آلمان و دقیق نبودن آمار تعداد کارخانه‌ها و تولیدات آن‌ها می‌باشد. از منبع مذکور در فصول چهارم و پنجم که مربوط به روند توسعه فرهنگی و صنعتی ایران می‌باشد، استفاده شده است.

اقتصاد سیاسی ایران

کتاب اقتصاد سیاسی ایران نوشته محمدعلی کاتوزیان است که در آن تحولات اقتصادی ایران از زمان انقلاب مشروطه تا پایان سلسله پهلوی مورد بررسی گرفته است. این کتاب در چهار بخش تحت عنوان‌های «دولت و انقلاب» که دربردارنده تحولات اقتصادی از ۱۲۸۰ تا ۱۲۹۷ ش. «دولت و ضد انقلاب» دربردارنده تحولات اقتصادی از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ ش، «فترت، دموکراسی و دیکتاتوری» دربردارنده

تحولات اقتصادي از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ش و «استبداد نفتي، توسعه اقتصادي و انقلاب مردم»
دربردارنده تحولات اقتصادي از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ش است.

در فصل دوم اين كتاب، در مورد صنعتي سازي در دوره رضاشاه و متخصصان آلماني در ايران بحث شده است که در اين پايان نامه مورد استفاده قرار گرفت. مشکل اين كتاب اين است که نويسنده علي رغم ايراني بودنش، از اسناد و مدارك آرشيوي استفاده نکرده است و مولف از بُعد سياسي به اين روابط پرداخته است تا ديد تاريخی. از فصل دوم اين كتاب در فصل پنجم استفاده شده است.